[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

فقر مسکن روستایی و استراتژی‌های مقابله با آن در ایران

عبدالرسول شیروانیان*/ محمد بخشوده**

تاریخ دریافت مقاله: 1391/03/08
تاریخ پذیرش مقاله: 1391/07/30

چکیده

فقر مسکن صرفاً یک موضوع تک بعدی نیست. این نوع فقر در جامعه روستایی ایران از ابعاد متفاوتی برخوردار است. بر این اساس، این مطالعه به بررسی فقر مسکن روستایی کشور و اولویت‌بندی استراتژی‌های مقابله با آن با استفاده از رویکرد چندبعدی فقر مسکن پرداخته است. بدین منظور از شاخص‌های کیفی مسکن، شاخص‌های فقر و تکنیک رتبه‌بندی بر اساس شباهت به راه‌حل ایده‌آل استفاده شد. آمار و اطلاعات مورد نیاز از داده‌های طرح هزینه و درآمد خانوار مرکز آمار ایران در سال 1387 که 19707 خانوار روستایی در سطح کشور را تحت پوشش قرار داده است، به دست آمد. نتایج بیانگر آن است که فقر مسکن بر اکثر قریب به اتفاق (99/98%) خانوارهای روستایی مستولی است. بیشترین پوشش فقر مسکن در جامعه روستایی مربوط به بعد امنیت (99/812%) و کمترین آن مربوط به بعد تراکم (12/919%) است. عمق و کیفیت فقر مسکن حاکم بر خانوارهای روستایی به گونه‌ای است که به‌طور متوسط این خانوارها از دسترسی به حدود دو پنجم شاخص‌های کیفی مسکن محروم می‌باشند. نتایج بخش پایانی مطالعه نیز بیانگر آن است که تأمین امنیت فیزیکی مسکن، بیمه واحد مسکونی، کاهش تراکم در واحدهای مسکونی و تأمین آب لوله‌کشی، مهم‌ترین استراتژی‌های مقابله با فقر مسکن روستایی در ایران را تشکیل می‌دهند.

واژگان کلیدی: مسکن، رویکرد چندبعدی فقر، شاخص‌های کیفی، خانوار روستایی، ایران.

* دانشجوی دکتری. rasoolshirvanian@yahoo.com
** استاد بخش اقتصاد کشاورزی دانشکده کشاورزی دانشگاه شیراز.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

مقدمه

مفهوم مسکن، محدود به سرپناه نیست. این مفهوم علاوه بر مکان فیزیکی، کل محیط مسکونی را در بر گرفته و شامل تمامی خدمات و تسهیلات ضروری مورد نیاز برای بهتر زیستن خانواده و نیز حق تصرف نسبتاً طولانی و مطمئن برای استفاده کننده آن می‌باشد (اهری، 1367؛ نصیری، 1386؛ بدری و موسوی، 1389؛ پارک، 2005؛ رکفورد، 2010). دسترسی به امکانات و خدمات مسکن از زمینه‌های توانمندسازی و ایجاد شرایط مساعد رفاه اقتصادی و اجتماعی است. نقش بهبود مسکن و خدمات اساسی آن در کاهش فقر به رسمیت شناخته شده است (میتلین، 2001). مسکن به‌عنوان تسهیل کننده در جهت کاهش فقر چند بعدی در سطح جامعه عمل نموده و می‌تواند کاهش دیگر شاخص‌های فقر چندبعدی را در سطح جامعه در پی داشته باشد (پیمان، 1386؛ مسکن برای بشریت، 2010). بر این اساس سازمان ملل متحد، اهداف توسعه هزاره را در زمینه مسکن تا سال 2015، به صورت کاهش 50 درصدی افرادی که در کشورهای مختلف از جمله کشورهای در حال توسعه، به آب آشامیدنی سالم و سیستم فاضلاب دسترسی ندارند، تعیین نموده است (مسکن ملل متحد، 2003).

در حال حاضر، در کشورهای در حال توسعه، فقر مسکن هشدار دهنده است (سنگاپتا، 2010). جامعه روستایی کشورهای در حال توسعه به عنوان زیستگاه مردم فقیر تلقی می‌گردد. در این کشورها، بخش اعظمی از مردم در مناطق روستایی زندگی می‌کنند که بخش عمده آنان فقیر می‌باشند (دیکسون، 1990). این گروه غالبا از دسترسی به مسکن مناسب و خدمات مرتبط با آن محروم می‌باشند (میتلین، 2001). این امر سبب شده، فقر مسکن به‌عنوان یکی از ابعاد فقر روستایی مورد توجه قرار گیرد (بیسواس‌داینر و داینر، 2001؛ دویلد، 2004؛ کریشناکومار و بالون، 2008؛ جمال، 2009؛ سایسانا و سالتلی، 2010؛ نوید و الاسلام، 2010).

هر چند قرار داشتن ایران در زمره کشورهای درحال توسعه، پرداختن به فقر مسکن در جامعه روستایی ایران را ایجاب می‌نماید، اما وجود حمایت‌های قانونی و سیاست‌های کلان توسعه مسکن، اهمیت پرداختن به این موضوع را دو چندان می‌نماید. در ایران اصل 31 قانون اساسی، داشتن مسکن متناسب با نیاز را حق هر فرد و خانوار ایرانی می‌داند (اطهاری و همکاران، 1385). آرمان‌های توسعه مسکن در قالب سیاست‌های کلان بخش مسکن روستایی در تحقق چشم‌انداز بلند مدت توسعه نیز شامل برخورداری هر خانوار روستایی از یک واحد مسکونی، مقاوم‌سازی و بهسازی کلیه واحدهای مسکونی روستایی و برخورداری واحدهای مسکونی روستایی از امکانات و تسهیلات مورد نیاز می‌باشد. حمایت از تأمین مسکن گروه‌های کم درآمد روستائی از طریق مدیریت مناسب یارانه‌ها در جهت هدفمندسازی آن‌ها و ارتقای سلامت و بهداشت در واحدهای مسکونی روستایی از طریق ارائه الگوی مسکونی مناسب با نیازهای رفاهی خانوار روستایی و اعمال استانداردهای زیستی، از راهبردهای نیل به این آرمان‌ها قلمداد می‌گردد (اطهاری و همکاران، 1385).

با این همه، به‌رغم تعیین آرمان‌های ایده‌ال در زمینه مسکن و ارائه راهبردهای مختلف به‌منظور تحقق این آرمان‌ها، شکاف طبقاتی بین گروه اقلیت دارای بهترین مسکن و گروه فاقد مسکن مناسب، عمیق‌تر شده است (نصیری، 1386). این موضوع بیانگر نامناسب بودن سیاست حمایت از تأمین مسکن به دلیل تمرکز بر گروه‌های کم‌درآمد روستایی با الهام از گروه‌بندی افراد جامعه روستایی بر اساس درآمد است. حمایت از تأمین مسکن بر مبنای گروه‌های درآمدی، دارای نواقصی است.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

بـدین‌ترتیـب کـه بهـره‌گیـری از معیـار درآمـدی بـرای طبقه‌بندی وضعیت مسکن نمی‌تواند سـطوح متمـایزی از کیفیت مسکن را در هـر یـک از طبقـات درآمـدی نشـان دهد. بلکه بهره‌گیری از این معیار، صرفا بیـانگر آن اسـت که در هر یـک از طبقـات درآمـدی، سـطوح مختلفـی از کیفیت مسکن وجود دارد که توزیع فراوانی ایـن سـطوح در هر یک از طبقات درآمدی، متفـاوت از طبقـات دیگـر درآمدی است. از سوی دیگر، معیار فقر درآمدی سنخیت چندانی با معیار فقر مسکن ندارد. به‌عنوان نمونـه بررسـی صورت گرفته در آمریکا در سـال 1995 نشـان مـی‌دهـد صرفا 46 درصد از خانوارهای دچـار فقـر مسـکن، دارای درآمدی پایین‌تر از خط فقر درآمـدی رسـمی بـوده‌انـد و استفاده از خـط فقـر درآمـدی بـرای تعیـین و شناسـایی خانواده‌های دچار فقر مسکن، بالغ بر نیمی از خانوارهـای دچار فقر مسـکن بـر اسـاس معیارهـای چندبعـدی فقـر مسکن، را از فقر مسـکن مسـتثنی نمـوده اسـت (ویتنـر، 2000). بر این اساس به نظر می‌رسد برای تعیین وضعیت فقر مسکن باید از معیارهایی استفاده نمود که به صراحت و روشنی بتواند سطوح مختلف کیفی مسکن خانوارهـا را در جامعه نشان دهد. با بهره‌گیـری از چنـین معیارهـایی، می‌توان به تدوین سیاست‌های شفاف و روشن بـرای هـر سطح کیفی مسکن در جامعه پرداخت. بر این اسـاس بـه نظر می‌رسد استفاده از شاخص‌های مسکن بـرای مطالعـه وضعیت فقر مسکن، مناسب‌تر و در عین حال منطقـی‌تـر از معیار فقر درآمدی باشد.

مجموعه موارد فوق، سنگ‌بنای این مطالعـه را تشـکیل داده و انجام آن را ضروری نموده اسـت. بـر ایـن اسـاس این مطالعه در صدد است با استفاده از رویکرد چندبعدی به بررسی وضعیت فقر مسکن روستایی در ایران و تبیـین راه‌کارهای مقابله بـا آن بپـردازد. در ایـن رابطـه سـؤالات تحقیق به شرح زیر می‌باشند:

1. بر اساس رویکرد چندبعدی فقر مسـکن، وضـعیت فقر مسکن در مناطق روستایی ایران چگونه است؟
2. استراتژی‌های مقابلـه بـا فقـر مسـکن روسـتایی در ایران کدامند؟

مبانی نظری

در بررسی فقر مسکن توجه به این نکته ضروری اسـت که فقر مسکن صرفاً یک موضوع تک بعدی نیسـت. ایـن نوع فقر در جامعه روستایی از ابعـاد متفـاوتی برخـوردار است. سکونت در واحدهای مساکنی با اتاق‌های پایین‌تـر از استاندارد و پرتراکم‌تر از حد معمول (نصـیری، 1386)؛ استفاده از سـوخت‌هـای نامناسـب در سیسـتم گرمـایش واحد مسکونی که هم به محیط زیست آسیب مـی‌زنـد و هم آلودگی درون خانه را بـه وجـود مـی‌آورد (اطهـاری، 1384)، استفاده از مصالح فاقد اسـتحکام لازم بـر اسـاس خصوصیات اجتمـاعی، اقتصـادی و فرهنگـی در جامعـه روستائی (بدری و موسـوی، 1389) نمونـه‌هـایی از فقـر مسکن در جامعه روستایی ایران است. بدین ترتیب بـا در نظر گرفتن ابعـاد یادشـده، انـدازه‌گیـری فقـر مسـکن در جامعه روستایی صرفا با یک نماگر، بـه دلیـل نـاتوانی در توصیف و تصویر دقیق رفاه مورد انتقاد بوده و معیارهایی که چندین نماگر مسکن را با یکدیگر ترکیب می‌نماید، از اهمیت بیشتری برخوردار می‌باشـند. رویکـرد چندبعـدی فقر مسکن، رویکردی است که استفاده آن امکان پرداختن به چندین معیار مسکن را به‌طور همزمان فـراهم مـی‌آورد (ویتنر، 2000).

بر اساس رویکرد چندبعدی فقـر مسـکن، خانوارهـایی به‌عنوان خانوارهای دچار فقر مسکن شناسایی مـی‌شـوند کـه حـداقل در یکـی از شـاخص‌هـای مسـکن دچـار محدودیت باشند (ویتنر، 2000). مهم‌ترین شـاخص‌هـای تبیین کیفیت مناسب مسکن شامل شاخص امنیـت واحـد

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

مسکونی، شاخص طراحی سیستم فاضلاب، شاخص برخورداری و شاخص تراکم است (اطهاری، 1384؛ پیمان، 1386؛ دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن، 1388؛ بدری و موسوی، 1389؛ ویتنر، 2000؛ پارک، 2005؛ ساتو، 2006). توجه به این شاخص‌ها انجام فعالیت‌های زندگی ساکنان را تسهیل نموده، کارایی آن‌ها را افزایش داده و عاملی در جهت ایجاد زندگی پایدار می‌باشد. بر این اساس، تلاش در جهت تحقق این معیارهای کیفی، تعیین کننده قابلیت اطلاق واژه مسکن به ساختمان‌ها و ساختارهای سکونتی است (بدری و موسوی، 1389). شاخص امنیت مسکن در برگیرنده امنیت فیزیکی و نیز امنیت معنوی مسکن می‌باشد. امنیت معنوی مسکن بیانگر وضعیت تملک واحد مسکونی و اطمینان از استمرار استفاده از واحد مسکونی و اثاثیه موجود در آن (بیمه مسکن) بوده و امنیت فیزیکی مسکن نشان دهنده وضعیت استحکام آن است. وضعیت استحکام مسکن در قالب نوع مصالح مورد استفاده در ساخت مسکن بیان می‌شود. شاخص طراحی سیستم فاضلاب شامل حمام و آشپزخانه می‌شود. شاخص برخورداری شامل داشتن آب لوله‌کشی، برق خانگی، تجهیزات نگهداری مواد غذایی، سوخت مناسب برای گرمایش، آشپزی و تهیه آب گرم واحد مسکونی، و وسیله نقلیه است. شاخص تراکم در برگیرنده تراکم بر حسب اتاق است. این معیار، درجه ازدحام و تراکم جمعیت را در واحد مسکونی بیان می‌کند و از تقسیم تعداد افراد خانوار بر تعداد اتاق‌های آن واحد مسکونی به دست می‌آید (اطهاری، 1384؛ پیمان، 1386؛ بدری و موسوی، 1389؛ ویتنر، 2000؛ پارک، 2005؛ ساتو، 2006).

روش تحقیق

در این قسمت ابتدا به تشریح شیوه تعیین وضعیت فقر مسکن هر یک از خانوارهای روستایی در نماگرها و شاخص‌های مسکن و پس از آن به تبیین شیوه تعیین وضعیت فقر مسکن در سطح جامعه روستایی کشور مبادرت گردیده است. در تعیین وضعیت فقر مسکن هر یک از خانوارهای روستایی، ابتدا به نرمال سازی هر یک از این نماگرها و شاخص‌های مسکن پرداخته و در ادامه، روش تجمیع این نماگرها و شاخص‌ها بیان شده است. در تعیین وضعیت فقر مسکن در سطح جامعه روستایی نیز شاخص‌های نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر مورد استفاده قرار گرفته است.

با توجه به موارد فوق، به منظور بیان وضعیت فقر مسکن هر یک از خانوارهای روستایی، نخست مقادیر هر یک از نماگرها و شاخص‌های مورد مطالعه با استفاده از رابطه زیر نرمال گردید (گروترت و ناریان، 2004):

$$p_{ij} = \frac{z_j - x_{ij}}{z_j} \times 100 \qquad (1)$$

در این رابطه p_{ij} میزان فقر مسکن i امین خانوار در زمینه j امین نماگر یا شاخص مسکن بر حسب درصد، z_j میزان توصیه شده و استاندارد نماگر یا شاخص j ام مسکن و x_{ij} میزان بهره‌مندی خانوار i ام از j امین نماگر یا شاخص مسکن می‌باشد. لازم به ذکر است که میزان توصیه شده و استاندارد شاخص تراکم طبق جدول (1) است. وضعیت استاندارد و موارد توصیه شده در زمینه شاخص امنیت واحد مسکونی شامل داشتن مالکیت واحد مسکونی (پیمان، 1386؛ ساتو، 2006؛ رکفورد، 2010)، داشتن بیمه مسکن (بدری و موسوی، 1389) و استفاده از مصالح بادوام (بتن‌آرمه و اسکلت فلزی) در ساخت واحد مسکونی (اطهاری، 1384)؛ در زمینه شاخص طراحی سیستم فاضلاب، وجود حمام و آشپزخانه در واحد مسکونی (پیمان، 1386؛ بدری و موسوی، 1389؛ زلر و همکاران، 2006؛ ساتو، 2006؛ رکفورد، 2010)؛ در زمینه شاخص برخورداری، داشتن آب لوله‌کشی، برق خانگی، تجهیزات نگهداری مواد

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

غذایی، وسیله نقلیه و استفاده از برق یا گاز به‌عنوان سوخت برای گرمایش، آشپزی و تهیه آب گرم واحد مسکونی می‌باشد (اطهاری، 1384؛ پیمان، 1386؛ بدری و موسوی، 1389؛ زلر و همکاران، 2006؛ رکفورد، 2010؛ نوید و الاسلام، 2010).

ت1. میزان توصیه شده و استاندارد شاخص تراکم بر حسب تراکم جمعیت در واحد مسکونی .

تعداد اتاق‌های واحد مسکونی	تعداد افراد ساکن در واحد مسکونی (نفر)
1	2
2	3
3	3
4	7/5
5	10
به ازای هر اتاق دیگر	2 نفر اضافه می‌شود.

مأخذ: (پارک، 2005)

در ادامه به منظور تجمیع نماگرها و شاخص‌های مسکن برای بیان وضعیت کلی فقر مسکن هر خانوار روستایی، رابطه زیر مورد استفاده قرار گرفت (بورگویگنون و چاکراوارتی، 2003؛ برنامه توسعه ملل متحد، 2007؛ مورو و همکاران، 2009):

$$P = \frac{1}{n}\sum_j^n a_j p_j \qquad (2)$$

در این رابطه P شاخص کلی فقر مسکن هر خانوار در مجموعه نماگرها یا شاخص‌های مسکن، n تعداد نماگرها یا شاخص‌های مسکن، a_j وزن نماگر یا شاخص jام مسکن، p_j میزان فقر مسکن هر خانوار در نماگر یا شاخص jام مسکن می‌باشد.

لازم به ذکر است که در رابطه فوق به‌منظور تعیین وزن نماگرها و شاخص‌ها از روش وزن‌دهی آنتروپی استفاده شد. آنتروپی یک مفهوم اساسی در علوم مختلف از جمله علوم اجتماعی است که به کرات برای تعیین وزن شاخص‌های مختلف در علوم اجتماعی مورد استفاده قرار گرفته است (منظری حصار و محقر، 1384؛ فرجی سبکبار و رضاعلی، 1388؛ والمحمدی و فیروزه، 1389؛ محقر و همکاران، 1389؛ سعیدآبادی و همکاران، 1389؛ سهرابی و همکاران، 1389؛ نسترن و همکاران، 1389). زیربنای این تئوری آن است که به‌طور کلی بر ساختار داده‌ها یکسری بی‌نظمی‌ها (آنتروپی) حاکم است. مقدار آنتروپی در داده‌ها بین صفر تا یک تغییر می‌کند. آنتروپی صفر، بیانگر نظم افراطی در داده‌ها بوده و آنتروپی برابر یک، نشان دهنده بی‌نظمی کامل در داده‌ها و توزیع یکنواخت آن‌هاست. در این روش به‌منظور تعیین وزن نماگرها و شاخص‌ها، نخست نیاز به تعیین شاخص آنتروپی و در ادامه تعیین میزان انحراف از اطلاعات در هر نماگر یا شاخص است. برای تعیین شاخص آنتروپی برای هر نماگر یا شاخص مسکن نیز، نیاز به تعیین توزیع احتمال در آن نماگرها یا شاخص است. برای تعیین توزیع احتمال در هر یک از نماگرها یا شاخص‌های مسکن از رابطه زیر استفاده شد (والمحمدی و فیروزه، 1389؛ نسترن و همکاران، 1389):

$$P_{ij} = \frac{r_{ij}}{\sum_{i=1}^{m} r_{ij}} \qquad (3)$$

در این رابطه P_{ij} احتمال وقوع مقدار iام در نماگر یا شاخص jام مسکن، و r_{ij} درصد فراوانی هر یک از مقادیر موجود در این نماگر یا شاخص می‌باشد. با استفاده از توزیع احتمالات مجموعه مقادیر هر نماگر یا شاخص مسکن، شاخص آنتروپی مربوط به آن نماگر یا شاخص مسکن با استفاده از رابطه زیر به‌دست آمد (والمحمدی و فیروزه، 1389؛ نسترن و همکاران، 1389):

$$E_j = -\frac{1}{Ln(m)}\sum_{i=1}^{m}\left(P_{ij} \times Ln\left(P_{ij}\right)\right) \qquad (4)$$

در این رابطه E_j شاخص آنتروپی نماگر یا شاخص jام مسکن بوده و سایر متغیرها قبلا تعریف شده‌اند. در ادامه با استفاده از شاخص آنتروپی، میزان انحراف از اطلاعات

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

در هر نماگر یا شاخص مسکن به صورت زیر تعیین شد (والمحمدی و فیروزه، 1389؛ نسترن و همکاران، 1389):

$$D_j = 1 - E_j \qquad (5)$$

در این رابطه D_j میزان انحراف از اطلاعات در نماگر یا شاخص jام مسکن بوده و سایر متغیرها قبلاً تعریف شده‌اند. سپس، با استفاده از میزان انحراف از اطلاعات، وزن هر نماگر یا شاخص به‌صورت زیر به دست آمد (والمحمدی و فیروزه، 1389؛ نسترن و همکاران، 1389):

$$W_j = \frac{D_j}{\sum_{j=1}^{n} D_j} \qquad (6)$$

در این رابطه W_j وزن نماگر یا شاخص jام مسکن بوده و سایر متغیرها قبلاً تعریف شده‌اند.

پس از تعیین وضعیت فقر مسکن هر یک از خانوارهای روستایی، در ادامه به‌منظور تعیین وضعیت فقر مسکن در سطح جامعه روستایی نیاز به تعیین نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر مسکن در هر نماگر یا شاخص مسکن است. از آن جا که مجموعه شاخص‌های فقر FGT[1] شامل نسبت سرشمار[2] و نسبت شکاف فقر[3] از زمره پیشرفته‌ترین و متداول‌ترین شاخص‌های فقر می‌باشند (فوستر و همکاران، 2010) لذا، در این مطالعه از این مجموعه شاخص‌ها به منظور بررسی فقر مسکن در سطح جامعه روستایی استفاده شد. در این مطالعه مجموعه شاخص‌های فقر FGT به‌صورت زیر بیان شد (فوستر و همکاران، 2010):

$$FGT = P(\alpha) = \frac{1}{n}\sum_{i=1}^{q}\left(\frac{z - x_i}{z}\right)^{\alpha}$$
$$\alpha = 0,1. \qquad (7)$$

که در آن، n تعداد کل خانوارهای نمونه مورد مطالعه، q تعداد خانوارهای دچار فقر مسکن موجود در نمونه، z مقدار قابل قبول نماگر یا شاخص مورد مطالعه تحت عنوان خط فقر مسکن در آن نماگر یا شاخص، و x_i میزان بهره‌مندی خانوار iام نمونه مورد مطالعه از این نماگر یا شاخص است. لازم به ذکر است که مقدار قابل قبول هر یک از نماگرها یا شاخص‌ها، همان مقدار توصیه شده و استاندارد است (رانسیمن، 1966) که در مطالعات متعددی از قبیل سن (1976)، ییتزاکی (1979)، سیلبر و سورین (2006)، بوسرت و همکاران (2007) و سیلبر (2007) مورد استفاده قرار گرفته است.

در رابطه (7)، α پارامتری است که با توجه به مقدار آن می‌توان هر یک از شاخص‌های نسبت سرشمار، نسبت شکاف فقر و شدت فقر را تعیین نمود. چنانچه مقدار پارامتر α برابر صفر یا یک باشد، به ترتیب شاخص نسبت سرشمار فقر و شاخص نسبت شکاف فقر مسکن به دست می‌آید (فوستر و همکاران، 2010). شاخص‌های نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر مسکن، مکمل یکدیگر می‌باشند. شاخص نسبت سرشمار فقر مسکن، توزیع فراوانی خانوارهای دچار فقر مسکن را در جامعه روستایی نشان می‌دهد، اما از بیان عمق فقر مسکن در سطح جامعه روستایی ناتوان است. شاخص نسبت شکاف فقر مسکن به عکس شاخص نسبت سرشمار، به درصد فراوانی خانوارهای دچار فقر مسکن، کاملاً غیرحساس بوده و اظهار نظری در این مورد نمی‌کند، اما عمق فقر مسکن را در سطح جامعه روستایی بیان می‌کند (فوستر و همکاران، 2010).

به‌منظور تبیین استراتژی مناسب برای مقابله با فقر مسکن از تکنیک رتبه‌بندی بر اساس شباهت به راه حل ایده‌آل (TOPSIS)[4] استفاده شد. این تکنیک یکی از بهترین مدل‌های تصمیم‌گیری چند شاخصه (MADM)[5] است. تکنیک یادشده بر این مفهوم بنا شده است که استراتژی مناسب استراتژیی است که کمترین فاصله را نسبت به راه‌حل ایده‌آل مثبت و بیشترین فاصله را نسبت

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

به راه‌حل ایده‌آل منفی داشته باشد. بر این اساس به منظور حل یک مسئله به روش TOPSIS نیاز به تعیین راه‌حل‌های ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی، تعیین میزان فاصله هر نماگر یا شاخص تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی، تعیین نزدیکی نسبی هر نماگر یا شاخص به راه حل ایده‌آل و نهایتاً رتبه‌بندی نماگرها یا شاخص‌ها بر اساس نزدیکی نسبی است (فرجی سبکبار و رضاعلی، 1388؛ نسترن و همکاران، 1389).

به‌منظور تعیین راه‌حل‌های ایده‌آل مثبت و ایده‌آل منفی نیاز به ماتریس بی‌مقیاس موزون است. این ماتریس با استفاده از رابطه زیر به دست آمد (فرجی سبکبار و رضاعلی، 1388؛ نسترن و همکاران، 1389):

$$V = N * W \quad (8)$$

که در آن V ماتریس بی‌مقیاس موزون، N ماتریس تصمیم‌گیری بی‌مقیاس شده و W ماتریس قطری وزن نماگرها یا شاخص‌های مسکن می‌باشد. لازم به ذکر است که ماتریس تصمیم‌گیری بی‌مقیاس شده ماتریسی است متشکل از نماگرها یا شاخص‌های مسکن که با استفاده از تقسیم مقادیر آن‌ها بر بیشترین مقادیر خویش، بی‌مقیاس شده‌اند. ماتریس قطری وزن شاخص‌ها نیز ماتریسی است که عناصر آن را وزن‌های محاسبه شده با استفاده از روش آنتروپی، تشکیل می‌دهند. در ادامه با استفاده از رابطه زیر راه‌حل ایده‌آل مثبت (V^+) و راه‌حل ایده‌آل منفی (V^-) به دست آمد (فرجی سبکبار و رضاعلی، 1388؛ نسترن و همکاران، 1389):

(9)

$$V^+ = [\text{بردار بهترین مقادیر هر نماگر ماتریس بی‌مقیاس موزون}]$$

(10)

$$V^- = [\text{بردار بدترین مقادیر هر نماگر ماتریس بی‌مقیاس موزون}]$$

بهترین مقادیر برای نماگرها یا شاخص‌های مثبت، بزرگ‌ترین مقادیر و برای نماگرها یا شاخص‌های منفی، کوچک‌ترین مقادیر می‌باشد. بدترین مقادیر، برای نماگرها یا شاخص‌های مثبت، کوچک‌ترین مقادیر و برای نماگرها یا شاخص‌های منفی، بزرگ‌ترین مقادیر است.

پس از آن، میزان فاصله هر نماگر یا شاخص مسکن تا ایده‌آل‌های مثبت و منفی با استفاده از روابط زیر به دست آمد (فرجی سبکبار و رضاعلی، 1388؛ نسترن و همکاران، 1389):

$$d_j^+ = \sqrt{\sum_{j=1}^{n}(v_{ij} - v_j^+)^2} \quad (11)$$

$$i = 1, 2, \ldots, m$$

$$d_j^- = \sqrt{\sum_{j=1}^{n}(v_{ij} - v_j^-)^2} \quad (12)$$

$$i = 1, 2, \ldots, m$$

در این روابط d_j^+ فاصله اقلیدسی نماگر یا شاخص jام مسکن تا ایده‌آل مثبت، d_j^- فاصله اقلیدسی نماگر یا شاخص jام مسکن تا ایده‌آل منفی، و v_{ij} مقدار iام از jامین نماگر یا شاخص مسکن می‌باشد. سایر متغیرها قبلاً تعریف شده‌اند.

سپس، به تعیین نزدیکی نسبی هر نماگر یا شاخص به راه‌حل ایده‌آل با استفاده از رابطه زیر مبادرت شد (فرجی سبکبار و رضاعلی، 1388؛ نسترن و همکاران، 1389):

$$CL_j^* = \frac{d_j^-}{d_j^- + d_j^+} \quad (13)$$

در این رابطه CL_j^* نزدیکی نسبی نماگر یا شاخص jام مسکن به راه‌حل ایده‌آل می‌باشد. سایر متغیرها قبلاً تعریف شده‌اند. در نهایت با به دست آمدن نزدیکی نسبی به

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

رتبه‌بندی نماگرها یا شاخص‌های مسکن مبادرت گردید. در این زمینه لازم به ذکر است که نماگر یا شاخصی که از نزدیکی نسبی بالاتری برخوردار باشد، استراتژی مناسب‌تری برای مبارزه با فقر بوده و بر عکس، نماگر یا شاخصی که از نزدیکی نسبی کمتری برخوردار است، از اولویت پایین‌تری برای مبارزه با فقر برخوردار می‌باشد.

داده‌های مورد استفاده

در تعاریف مرسوم فقر، برنامه‌ریزان معمولاً گرایش به استفاده از مفهوم خانوار دارند (نصیری، 1386). از سوی دیگر فقر مسکن با استفاده از داده‌های پیمایشی خانوار قابل بررسی است (ساتو، 2006). در طرح نمونه‌گیری هزینه و درآمد خانوار که در سطح ملی در جامعه روستایی و شهری کشور توسط مرکز آمار ایران اجرا می‌شود، واحد نمونه‌گیری، خانوار می‌باشد. این مرکز هر ساله در قالب این طرح به نمونه‌گیری از خانوارهای روستایی و شهری کشور پرداخته و با استفاده از روش نمونه‌گیری سیستماتیک ضمن تکمیل پرسشنامه از طریق مراجعه مستقیم آمارگیران به خانوارهای نمونه و مصاحبه (با حضور سرپرست خانوار)، به جمع‌آوری اطلاعات از خانوارهای روستایی و شهری و انتشار آن می‌پردازد (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، 1388). بخشی از این داده‌های طرح، اطلاعات مربوط به نماگرهای مسکن روستایی را تحت پوشش قرار می‌دهد. بر این اساس در این مطالعه به منظور بررسی وضعیت فقر مسکن خانوارهای روستایی ایران از آمار و اطلاعات این طرح در سال 1387 که 19707 خانوار روستایی را تحت پوشش قرار می‌دهد (بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، 1388) استفاده شد.

نتایج و بحث

جدول (2) مقادیر نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر را در هر یک از شاخص‌های مسکن خانوارهای روستایی نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات این جدول، شاخص امنیت با در بر داشتن 99/812 درصد خانوارهای روستایی نمونه مورد مطالعه بیشترین نسبت سرشمار فقر را در بین شاخص‌های مسکن به خود اختصاص داده است. پس از آن شاخص‌های برخورداری و سیستم فاضلاب به ترتیب 97/270 و 34/648 درصد خانوارهای روستایی را تحت پوشش قرار داده‌اند. در نهایت نیز شاخص تراکم، کمترین نسبت سرشمار فقر را به خود اختصاص داده است. بدین ترتیب آنچه در بعد فقر مسکن، بیشترین گستره را در سطح جامعه روستایی به خود اختصاص داده، عدم امنیت مسکن است که بر اکثر قریب به اتفاق خانوارهای روستایی مستولی است. مضاف بر آن، میزان شاخص نسبت شکاف فقر در زمینه امنیت مسکن نیز 83/906 درصد است که دال بر حاکم بودن عدم امنیت مسکن در ابعاد مختلف می‌باشد. جدول (3) اطلاعات مفصل‌تر در این زمینه ارائه شده است.

ت2. نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر در شاخص‌های مسکن خانوارهای روستایی.

شاخص‌های مسکن	شاخص‌های فقر (درصد)	
	نسبت سرشمار فقر	نسبت شکاف فقر
شاخص امنیت	99/812	83/906
شاخص برخورداری	85/934	5/599
شاخص سیستم فاضلاب	34/648	24/741
شاخص تراکم	12/919	12/919
شاخص کل مسکن	99/980	38/456

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر اساس اطلاعات جدول (3)، 94/839 درصد خانوارهای روستایی در واحدهای مسکونی با اسکلت یا مصالح نامناسب زندگی می‌کنند و 98/503 درصد آنان نیز فاقد مالکیت واحد مسکونی بوده و یا در واحدهای

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

مسکونی فاقد بیمه زندگی می‌نمایند. به طوری که خانوارهای روستایی به طور متوسط از حدود سه چهارم از تسهیلات مربوط به امنیت معنوی واحدهای مسکونی محروم می‌باشند. تشریح مفصل‌تر این موضوع، بر اساس نماگرهای امنیت معنوی ارائه شده در جدول (3) بیانگر آن است که آنچه بیش از همه موجب گستردگی فقر امنیت معنوی مسکن در بین خانوارهای روستایی در ایران گردیده، نبود بیمه مسکن می‌باشد. به طوری که اکثر قریب به اتفاق (98/432 درصد) خانوارهای روستایی، فاقد بیمه واحد مسکونی هستند. لازم به ذکر است که خانوارهای روستایی غالباً در واحد مسکونی تحت تملک خویش زندگی می‌نمایند. فقط 15/944 درصد خانوارهای روستایی، مالکیت واحدهای مسکونی که در آن زندگی می‌کنند را بر عهده ندارند. بدین ترتیب گسترش بیمه مسکن، صرف‌نظر از وضعیت مالکیت مسکن، برای کاهش فقر معنوی مسکن راهکار مناسبی به نظر می‌رسد.

ت3. نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر در بعد امنیت مسکن خانوارهای روستایی.

نماگرهای امنیت مسکن		شاخص‌های فقر (درصد)	
		نسبت سرشمار فقر	نسبت شکاف فقر
امنیت فیزیکی		94/839	94/839
امنیت معنوی	تملک واحدمسکونی	15/944	15/943
	بیمه واحد مسکونی	98/432	98/432
	شاخص‌کل امنیت معنوی	98/503	74/222

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بخش دیگر اطلاعات جدول (2) وضعیت شاخص برخورداری را در خانوارهای روستایی نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد. چنانکه قبلاً بیان شد این شاخص پس از شاخص امنیت مسکن، بیشترین میزان نسبت سرشمار فقر را در بین شاخص‌های مسکن به خود اختصاص داده است. بالا بودن میزان نسبت سرشمار فقر در این شاخص بیانگر عدم دسترسی مناسب اکثر قریب به اتفاق خانوارهای روستایی به تسهیلات و امکانات رفاهی در واحدهای مسکونی است. از سوی دیگر میزان شاخص نسبت شکاف فقر در زمینه شاخص برخورداری در بین خانوارهای روستایی نمونه مورد مطالعه 5/599 درصد است. بر این اساس خانوارهای روستایی به‌طور متوسط، حدود 95 درصد تسهیلات و امکانات رفاهی مسکن را در اختیار دارند. بدین ترتیب هرچند بر اساس نسبت سرشمار فقر، اکثر قریب به اتفاق خانوارهای روستایی دسترسی کامل به مجموعه امکانات و تسهیلات رفاهی مسکن را ندارند، اما بر اساس نسبت شکاف فقر، در مجموع تلاش این خانوارها بر آن است که دسترسی خویش به این مجموعه از امکانات و تسهیلات مسکن را به بالاترین سطح ممکن برسانند. بخشی از اطلاعات جدول (4) به ارائه مفصل موضوع در این زمینه اختصاص دارد. بر اساس اطلاعات این جدول، آنچه بیش از همه، موجب بروز فقر مسکن در زمینه شاخص برخورداری گردیده است، فقدان سوخت مناسب برای گرمایش مسکن و تأمین آب گرم مورد نیاز ساکنین و نداشتن وسیله نقلیه می‌باشد. از سوی دیگر خانوارهای روستایی کمترین سطح محرومیت را در زمینه برق خانگی تجربه می‌نمایند. نزدیک به 10 درصد خانوارهای روستایی به آب لوله کشی دسترسی ندارند و حدود 3 درصد آنان فاقد تجهیزات لازم برای نگهداری مواد غذایی و نیز سوخت مناسب برای آشپزی می‌باشند.

سومین شاخص مسکن از نظر مقدار نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر، شاخص سیستم فاضلاب می‌باشد. بر

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

اساس اطلاعات جدول (2)، 34/648 درصد خانوارهای روستایی فاقد سیستم فاضلاب مناسب در مجموعه واحد مسکونی خویش بوده و از این منظر دچار محرومیت می‌باشند. با توجه به شاخص نسبت شکاف فقر مسکن در زمینه سیستم فاضلاب، به طور متوسط خانوارهای روستایی نمونه مورد مطالعه از حدود یک چهارم امکانات سیستم فاضلاب محروم می‌باشند.

ت4. نسبت سرشمار و نسبت شکاف فقر در نماگرهای برخورداری و سیستم فاضلاب مسکن خانوارهای روستایی.

نوع شاخص مسکن	نماگرها	شاخص‌های فقر (درصد)	
		نسبت سرشمار فقر	نسبت شکاف فقر
شاخص برخورداری	وسیله نقلیه	58/771	/771 58
	تجهیزات نگهداری مواد غذایی	3/151	3/151
	آب لوله کشی	8/631	8/631
	برق خانگی	0/949	0/949
	سوخت مناسب برای آشپزی	3/111	3/111
	سوخت مناسب برای گرمایش منزل	66/834	/834 66
	سوخت مناسب برای تهیه آب گرم	45/913	/913 45
شاخص سیستم فاضلاب	حمام	22/814	/814 22
	آشپزخانه	27/645	/645 27

مأخذ: یافته‌های تحقیق

بر این اساس بخش دیگر جدول (4) ارائه مفصل‌تر اطلاعات در این زمینه است. بر اساس اطلاعات این جدول، 22/814 درصد واحدهای مسکونی روستایی، فاقد حمام و 27/645 درصد این واحدها فاقد آشپزخانه هستند. این موضوع بیانگر آن است که بیش از یک پنجم خانوارهای روستایی در هنگام ساخت واحدهای مسکونی، توجهی به در نظر گرفتن فضایی اختصاصی برای استحمام ننموده و بیش از یک چهارم آنان، فضایی به‌عنوان آشپزخانه را در واحد مسکونی خود در نظر نمی‌گیرند. این در حالی است که وجود این فضاها برای اطلاق عنوان مسکن به یک ساختمان یا ساختارهای مسکونی ضروری است.

بر اساس اطلاعات جدول (2) شاخص تراکم، آخرین شاخص در بین شاخص‌های مسکن از نظر میزان نسبت سرشمار فقر می‌باشد. در مناطق روستایی کشور به دلیل دسترسی خانوارهای روستایی به فضای مسکونی وسیع‌تر، به‌طور معمول واحدهای مسکونی با محدودیت تراکم برای ساکنین مواجه نیستند. لذا، شاخص تراکم کمترین میزان نسبت سرشمار فقر را در بین شاخص‌های مسکن در سطح خانوارهای روستایی به خود اختصاص داده است (12/919%). از سوی دیگر با توجه به میزان نسبت شکاف فقر در این شاخص و مقایسه آن با نسبت سرشمار فقر، میزان محدودیت فضای مسکونی در خانوارهای روستایی دچار فقر مسکن در بعد تراکم، به‌طور متوسط معادل یک اتاق به ازای هر واحد مسکونی می‌باشد.

در پایان، جدول (2) به جمع‌بندی شاخص‌های مسکن به منظور بیان وضعیت کلی فقر مسکن خانوارهای روستایی نمونه مورد مطالعه در قالب شاخص کل مسکن پرداخته است. با توجه به اطلاعات این جدول، میزان نسبت سرشمار فقر در شاخص کل مسکن بیانگر آن

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

است که اکثر قریب به اتفاق خانوارهای روستایی نمونه مورد مطالعه (99/980%) دچار فقر مسکن می‌باشند. از نظر عمق و کیفیت فقر مسکن حاکم بر این خانوارها، میزان نسبت شکاف فقر نشان دهنده آن است که به طور متوسط خانوارهای روستایی از دسترسی به 38/456 درصد شاخص‌های مسکن محروم می‌باشند. بر این اساس، چنانچه بتوان دسترسی خانوارهای روستایی را به شاخص‌های مسکن به میزان 38/456 درصد بهبود بخشید، فقر مسکن در سطح این خانوارها ریشه‌کن خواهد شد. به‌منظور نیل به این مهم تعیین اولویت‌های مبازره با فقر مسکن ضروری است. جداول (5) تا (8) اطلاعات لازم را در این زمینه ارائه نموده‌اند.

بر اساس اطلاعات جدول (5) و با توجه به این که مناسب‌ترین استراتژی برای مبارزه با فقر در ابعاد مختلف آن، نزدیکی نسبی به راه‌حل ایده‌آل می‌باشد؛ شاخص امنیت مسکن، بیشترین نزدیکی نسبی به راه‌حل ایده‌آل را به خود اختصاص داده و دارای بالاترین رتبه در بین استراتژی‌های مقابله با فقر است. بر این اساس، این استراتژی، مناسب‌ترین استراتژی برای مقابله با فقر مسکن است. پس از آن به ترتیب شاخص‌های تراکم و سیستم فاضلاب قرار داشته و در پایان شاخص برخورداری دارای پایین‌ترین سطح اولویت برای مقابله با فقر مسکن است.

ت5. اولویت‌بندی استراتژی‌های کلی مقابله با فقر مسکن روستاییان.

شاخص‌های مسکن	میزان نزدیکی نسبی به راه حل ایده‌آل	رتبه
شاخص امنیت	0/304	1
شاخص برخورداری	0/031	4
شاخص سیستم فاضلاب	0/065	3
شاخص تراکم	0/083	2

مأخذ: یافته‌های تحقیق

با توجه به این که شاخص امنیت واحد مسکونی مناسب‌ترین استراتژی برای مقابله با فقر مسکن در بین خانوارهای روستایی است، جدول (6) به ارائه اطلاعات مربوط به اولویت‌بندی استراتژی‌های مقابله با فقر مسکن در زیر مجموعه این شاخص پرداخته است. بر اساس اطلاعات این جدول، برای مقابله با فقر امنیت مسکن در خانوارهای روستایی، تمرکز بر تأمین امنیت فیزیکی مسکن از اولویت بیشتری برخوردار است. لذا نوسازی و مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی روستایی با استفاده از اسکلت‌های فلزی و بتن‌آرمه و استفاده از مصالح مناسب می‌تواند با تأمین امنیت فیزیکی مسکن، موجبات کاهش فقر مسکن را فراهم نماید. با توجه به این که بر اساس اطلاعات جدول (5) در دید کلی، مهم‌ترین استراتژی مقابله با فقر مسکن پس از تأمین امنیت مسکن، تمرکز بر شاخص تراکم در واحدهای مسکونی روستایی است، لذا همزمان با نوسازی واحدهای مسکونی روستائیان، اهتمام به تأمین تراکم مسکن متناسب با تعداد افراد خانوار، ضروری به نظر می‌رسد.

ت6. اولویت‌بندی استراتژی‌های مقابله با فقر مسکن در زمینه امنیت مسکن روستاییان.

شاخص‌های امنیت مسکن	میزان نزدیکی نسبی به راه حل ایده‌آل	رتبه
شاخص امنیت فیزیکی	0/448	1
شاخص امنیت معنوی	0/396	2

مأخذ: یافته‌های تحقیق

تأمین امنیت معنوی مسکن در درجه دوم اهمیت برای کاهش فقر مسکن در بعد امنیت مسکن قرار دارد. جدول (7) حاوی اطلاعات مفصل‌تر در این زمینه است. بر اساس اطلاعات این جدول، بیمه مسکن نسبت به تملک واحد مسکونی از اولویت بالاتری برای مقابله با فقر مسکن در بعد امنیت معنوی برخوردار است. بدین

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

ترتیب، ایجاد تمهیدات لازم برای بیمه نمودن واحد مسکونی ابزار مناسبی برای کاهش فقر مسکن در این بعد به شمار می‌آید.

در اولویت‌بندی استراتژی‌های مقابله با فقر مسکن، شاخص سیستم فاضلاب در جایگاه سوم قرار دارد. بر این اساس جدول (8) اطلاعات بیشتری در زمینه اولویت‌بندی نماگرهای موجود در این شاخص به‌منظور توفیق هر چه بیشتر در کاهش فقر مسکن ارائه نموده است. بر اساس اطلاعات این جدول، هرچند در حال حاضر هر واحد مسکونی نوساز و در حال ساخت از سیستم کامل دفع فاضلاب برخوردار است، اما در بهبود واحدهای مسکونی موجود، تأکید بیشتر بر تعبیه آشپزخانه در واحد مسکونی است. لذا در فرایند مقاوم‌سازی و بازسازی واحدهای مسکونی موجود، در نظر گرفتن فضایی مناسب برای آشپزخانه در اولویت قرار دارد.

ت7. اولویت‌بندی استراتژی‌های مقابله با فقر مسکن در بعد امنیت معنوی مسکن روستاییان.

نماگرهای امنیت معنوی مسکن	میزان نزدیکی نسبی به راه حل ایده‌آل	رتبه
بیمه مسکن	**0/689**	**1**
مالکیت مسکن	**0/109**	**2**

مأخذ: یافته‌های تحقیق

شاخص برخورداری هر چند در بین شاخص‌های مسکن دارای پایین ترین سطح اولویت در زمینه مقابله با فقر مسکن است، اما به‌عنوان یکی از شاخص‌های مسکن، حائز اهمیت است. بر این اساس بخش دیگری از جدول (8) به اولویت‌بندی استراتژی‌های مختلف مبارزه با این نوع فقر مسکن پرداخته است. با توجه به اطلاعات این جدول، مناسب‌ترین استراتژی برای مقابله با فقر مسکن در زمینه شاخص برخورداری، تأمین آب لوله‌کشی خانوارهای روستایی است. پس از آن به‌ترتیب برخورداری از تجهیزات نگهداری مواد غذایی، برخورداری از گاز یا برق به‌عنوان سوخت برای آشپزی، برخورداری از برق خانگی، برخورداری گاز برق به‌عنوان سوخت برای گرمایش منزل، و داشتن وسیله نقلیه در اولویت‌های بعدی قرار داشته و در نهایت برخورداری از گاز یا برق به‌عنوان سوخت برای تأمین آب گرم مورد استفاده اعضای خانوارها پایین‌ترین اولویت را در کاهش فقر مسکن خانوارهای روستایی به خود اختصاص داده است.

ت8. اولویت‌بندی استراتژی‌های مقابله با فقر مسکن در شاخص‌های سیستم فاضلاب و برخورداری مسکن.

نوع شاخص مسکن	نماگرها	میزان نزدیکی نسبی به راه‌حل ایده‌آل	رتبه نماگرها در هر شاخص مسکن
شاخص سیستم فاضلاب	آشپزخانه	0/242	1
	حمام	0/188	2
شاخص برخورداری	وسیله نقلیه	0/005	6
	تجهیزات نگهداری مواد غذایی	0/043	2
	آب لوله کشی	0/051	1
	برق خانگی	0/027	4
	سوخت مناسب برای آشپزی	0/042	3
	سوخت مناسب برای گرمایش منزل	0/021	5
	سوخت مناسب برای تهیه آب گرم	0/001	7

مأخذ: یافته‌های تحقیق

نتیجه

جمع‌بندی نتایج مربوط به وضعیت فقر مسکن روستاییان نمونه مورد مطالعه نشان می‌دهد اکثر قریب به اتفاق خانوارهای روستایی دچار فقر مسکن هستند. عمق و کیفیت فقر مسکن حاکم بر این خانوارها به گونه‌ای است

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

که به‌طور متوسط خانوارهای روستایی از دسترسی به حدود دو پنجم از شاخص‌های مسکن، محرومند. با توجه به وضعیت موجود فقر مسکن در جامعه روستایی ایران، ریشه‌کنی کامل این نوع فقر، نیازمند بهبود 38/456 درصدی دسترسی خانوارهای روستایی به شاخص‌های مسکن است. بر این اساس اولویت‌بندی استراتژی‌های مبارزه با فقر مسکن ضرورت می‌یابد. تصویر (9) استراتژی‌های مبارزه با فقر مسکن و اولویت‌های مربوطه را در لایه‌های مختلف شاخص‌های مسکن ارائه نموده است. بر اساس این نمودار، در دید کلی، مهم‌ترین استراتژی مقابله با فقر مسکن، تأمین امنیت مسکن می‌باشد. در بعد امنیت مسکن، مهم‌ترین استراتژی برای مبارزه با فقر مسکن، تأمین امنیت فیزیکی مسکن بوده و پس از آن، امنیت معنوی مسکن قرار دارد. در بعد امنیت معنوی مسکن نیز، اهتمام به امر بیمه واحد مسکونی، مناسب‌ترین استراتژی برای کاهش فقر مسکن روستایی است.

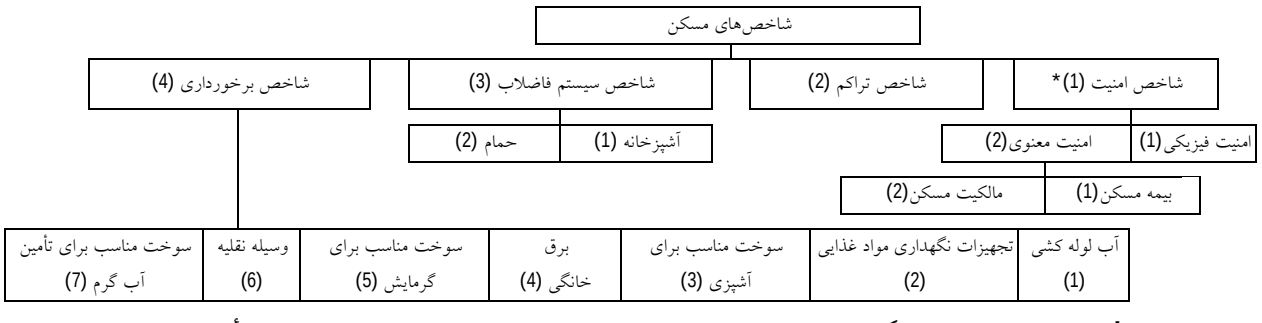
از سوی دیگر اولویت‌بندی استراتژی‌های کلی مبارزه با فقر مسکن نشان داد که پس از امنیت مسکن، مناسب‌ترین استراتژی برای مقابله با فقر مسکن، تمرکز بر بهبود وضعیت تراکم واحد مسکونی است. بدین ترتیب که به‌طور متوسط در هر واحدهای مسکونی روستایی، نیازمند یک واحد اتاق بیشتر است. پس از شاخص تراکم، شاخص سیستم فاضلاب واحد مسکونی قرار دارد.

در این شاخص، اهتمام به تعبیه آشپزخانه در واحد مسکونی از اولویت بالاتری برخوردار است. در میان شاخص‌های مسکن، شاخص برخورداری هرچند در بین شاخص‌های مسکن دارای پایین‌ترین سطح اولویت در زمینه مقابله با فقر مسکن است، اما به‌عنوان یکی از شاخص‌های مسکن، حائز اهمیت است. به منظور مقابله با فقر مسکن در این بعد، مناسب‌ترین استراتژی، تأمین آب لوله‌کشی خانوارهای روستایی است.

بدین ترتیب با در نظر گرفتن مجموعه موارد فوق، به منظور مقابله با فقر مسکن روستایی موارد زیر پیشنهاد می‌گردد:

1. تمرکز بر تأمین امنیت فیزیکی واحدهای مسکونی از طریق نوسازی و مقاوم‌سازی واحدهای مسکونی با استفاده اسکلت‌های فلزی و بتن آرمه و نیز به‌کارگیری مصالح مناسب در ساخت آن‌ها
2. اهتمام به رعایت تراکم مسکن متناسب با تعداد افراد خانوار و نیز در نظر گرفتن سیستم کامل فاضلاب برای واحدهای مسکونی روستاییان، همزمان با نوسازی یا مقاوم‌سازی آن‌ها
3. ایجاد تمهیدات لازم برای بیمه نمودن واحد مسکونی به منظور تأمین امنیت معنوی مسکن
4. اهتمام هرچه بیشتر به تأمین آب آشامیدنی سالم به صورت لوله‌کشی برای خانوارهای روستایی

ت9. استراتژی‌های مقابله با فقر مسکن روستاییان.



***: اعداد داخل پرانتز بیانگر سطح اولویت هر یک از استراتژی‌ها می‌باشد.** **مأخذ: یافته‌های تحقیق**

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

پی نوشت

1. Foster-Greer-Thorbecke (FGT)
2. Headcount Ratio
3. Poverty Gap Ratio
4. Technique for Order Performance by Similarity to Ideal Solution
5. Multiple Attribute Decision Making

منابع

- اطهاری، کمال. (1384)، فقر مسکن در ایران: فقر سیاست اجتماعی، مجله رفاه اجتماعی، شماره 18، سال پنجم، صص 128-113.
- اطهاری، کمال؛ امانی، شراره؛ توفیق، فیروز؛ حق‌شناس، جواد؛ خزاقی، حسین؛ عابدین درکوش، سعید؛ زبردست، اسفندیار؛ نیکوسرشت، ناصر؛ یزدانی، فردین. (1385)، طرح جامع مسکن، سند تحلیلی: جمع‌بندی مطالعات، وزارت مسکن و شهرسازی، دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن، تهران.
- اهری، زهرا. (1367)، مسکن حداقل، مرکز تحقیقات ساختمان و مسکن، وزارت مسکن و شهرسازی، تهران.
- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران. (1388)، نتایج بررسی بودجه خانوار در مناطق شهری ایران، سال 1387، مدیریت کل آمارهای اقتصادی، اداره آمار اقتصادی، دایره بررسی بودجه خانوار، تهران.
- بدری، علی؛ موسوی، سیروس. (1389)، تحلیلی بر روند تغییرات برخی ویژگی‌های مسکن روستایی در ایران، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- پیمان، حسین. (1386)، ویژگی‌های مسکن خانوارهای شهری در طبقه‌های درآمدی، فصلنامه اقتصاد مسکن، شماره 41، صص 80-71.
- دفتر برنامه‌ریزی و اقتصاد مسکن. (1388)، چکیده مطالعات طرح جامع مسکن استان گیلان، وزارت مسکن و شهرسازی، معاونت امور مسکن و ساختمان، سازمان مسکن و شهرسازی استان گیلان، رشت.
- سعیدآبادی، رشید؛ حیدری، حسن؛ موسوی، میرنجف. (1389)، تحلیل قابلیت‌های استان‌های مرزی ایران در توسعه همکاری‌های بین مرزی با کشورهای همسایه و جهان اسلام، مجموعه مقالات چهارمین کنگره بین‌المللی جغرافیدانان جهان اسلام، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان.
- سهرابی، بابک؛ رئیسی‌وانانی، ایمان؛ علیدوستی، سیروس. (1389)، ارائه مدلی کاربردی برای سنجش بلوغ مدیریت دانش در صنعت نرم افزار، فصلنامه سیاست علم و فناوری، شماره 3، سال سوم، صص 79-63.
- فرجی‌سبکبار، حسنعلی؛ رضاعلی، منصور. (1388)، مقایسه مدل‌های گسسته و پیوسته مکانی، مطالعه موردی: مکان‌یابی محل واحدهای تولید روستایی بخش طرقبه، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره 67، سال چهل و یکم، صص 83-69.
- محقر، علی؛ مهرگان، محمدرضا؛ ابوالحسنی، غلامرضا. (1389)، به‌کارگیری تکنیک‌های تصمیم‌گیری در اولویت‌بندی مصرف و تخصیص بهینه گاز طبیعی با رویکرد فازی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، شماره 24، سال هفتم، صص 119-91.
- منظری‌حصار، مهدی؛ محقر، علی. (1384)، به‌کارگیری الگویی برای تخصیص اعتبارات محرومیت‌زدایی: بررسی موردی فصل تربیت بدنی در استان خراسان، مجله برنامه و بودجه، شماره 91، سال یازدهم، صص 90-69.
- نسترن، مهین؛ ابوالحسنی، فرحناز؛ ایزدی، ملیحه. (1389)، کاربرد تکنیک تاپسیس در تحلیل و اولویت‌بندی توسعه پایدار مناطق شهری (مطالعه موردی: مناطق شهری اصفهان)، مجله جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی، شماره 38، سال بیست و یکم، صص 100-83.
- نصیری، معصومه. (1386)، توزیع جغرافیایی فقر مسکن و پراکندگی زنان مطلقه خانه‌دار در مناطق 22گانه تهران، فصلنامه رفاه اجتماعی، شماره 24، سال ششم، صص 240-223.
- والمحمدی، چنگیز؛ فیروزه، نگین. (1389)، ارزیابی عملکرد سازمان با استفاده از تکنیک BSC: مطالعه موردی، فصلنامه مدیریت، شماره 18، سال هفتم، صص 87-72.
- Biswas-Diener, Robert; Diener, Ed. (2001), Making the best of a bad situation: satisfaction in the slums of Calcutta. *Social Indicators Research*, 55 (3): 329-352.
- Bossert, Walter; D`Ambrosio, Conchita; Peragine, Vito. (2007), Deprivation and social exclusion, *Economica*, 74 (296), 777-803.
- Bourguignon, Francois; Chakravarty, Satya. (2003), The measurement of multidimensional

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]

- Sen, Amartya. (1976), Poverty: an ordinal approach to measurement, *Econometrica*, 44 (2): 219-231.
- Sengupta, Urmi. (2010), The hindered self-help: housing policies, politics and poverty in Kolkata, India, *Habitat International*, 34(3): 323-331.
- Silber, Jacques. (2007), Measuring poverty: taking a multidimensional perspective, *Hacienda Publica Espanola/Revista de Economia Publica*, 182 (3): 29-73.
- Silber, Jacques; Sorin, Michael. (2006), Poverty in Israel: taking a multidimensional approach, Chapter 9 in Petmesidou, Maria; Papatheodorou, Christos, eds: *Poverty and social deprivation in the Mediterranean area: trends, policies and welfare prospects in the new millennium*, London: Zed Books/CROP Series.
- UNDP. (2007), *Human development report 2007/2008*, Rosenberg and Sellier, Torino.
- UN-Habitat. (2003), *The challenge of slums: global report on human settlements*, Nairobi, UN-Habitat.
- Whitener, Leslie. (2000), Housing poverty in rural areas greater for racial and ethnic minorities, *Rural America*, 15 (2): 1-8.
- Yitzhaki, Shlomo. (1979), Relative deprivation and the Gini coefficient, *The Quarterly Journal of Economics*, 93 (2): 321-324.
Zeller, Manfred; Sharma, Manohar; Henry, Carla; Lapenu, Cecile. (2006), An operational method for assessing the poverty outreach performance of development policies and projects: results of case studies in Africa, Asia, and Latin America, *World Development*, 34 (3), 446-464.
poverty. *Journal of Economic Inequality*, 1 (1): 25-49.
- Dewilde, Caroline. (2004), The multidimensional measurement of poverty in Belgium and Britain: a categorical approach, *Social Indicators Research*, 68 (3), 331-369.
- Dixon, Chris. (1990), *Rural development in the third world*, Routledge, Chapman and Hall Inc., London.
- Foster, James; Greer, Joel; Thorbecke, Erik. (2010), The Foster–Greer–Thorbecke (FGT) poverty measures: 25 years later, *Journal of Economic Inequality*, 8 (4):491-524.
- Grootaert, Christiaan; Narayan, Deepa. (2004), Local institutions, poverty and household welfare in Bolivia, *World Development*, 32 (7): 1179-1198.
- Habitat for Humanity. (2010), *Poverty housing fact sheet*, North Sydney, Australia, Available at: www.habitat.org.au.
- Jamal, Haroon. (2009), *Estimation of multidimensional poverty in Pakistan*. Research Report, No. 79, The Social Policy and Development Centre (SPDC), Pakistan.
- Krishnakumar, Jaya; Ballone, Paola. (2008), Estimating basic capabilities: a structural equation model applied to Bolivia, *World Development*, 36 (6): 992-1010.
- Miltin, Diana. (2001), Housing and urban poverty: a consideration of the criteria of affordability, diversity and inclusion, *Housing Studies*, 16 (4): 509-522.
- Muro, Pasquale; Mazziotta, Matteo; Pareto, Adriano. (2009), *Composite indices for multidimensional development and poverty: an application to MDG indicators*, University of Roma Tre, Roma.
- Naveed, Arif; Ul-Islam, Tanweer. (2010), *Estimating multidimensional poverty and identifying the poor in Pakistan: a alternative approach*, Working Paper No. 28, Research Consortium on Educational Outcomes and Poverty (RECOUP), Islamabad, Pakistan.
- Park, K. (2005), *Textbook of preventive and social medicine*, 18th edition, Banarsidas Bhanot Publisher, India.
- Reckford, Jonathan. (2010), *Housing and health: partners against poverty*, Shelter Report, Habitat for Humanity International, USA.
- Runciman, Walter Garrison. (1966), *Relative deprivation and social justice*, Routledge, London.
- Saisana, Michaela; Saltelli, Andrea. (2010), *The multidimensional poverty assessment tool (MPAT): robustness issues and critical assessment*, European Commission and Institute for the Protection and Security of the Citizen, Italy.
- Sato, Hiroshi. (2006), Housing inequality and housing poverty in urban China in the late 1990s. *China Economic Review*, 17 (3): 37-50.

[Downloaded from jhre.ir on 2026-11-01]